

رفقا

بعد از کنگره ۴ حزب ما وارد دوره جدیدی شده است. این کنگره از هر نظر کنگره موفق و پر باری بود. شور و هیجان و یکپارچگی و رادیکالیسمی که کنگره به نمایش گذاشت به همه نشان داد که حزب بعد از نادر همچنان بر سنت و خط منصور حکمت متکی است. از تدارک کنگره تا مباحثات و مصوباتش برای حزب ما یک دستاورد و گام مهمی به پیش بود. اهمیت سیاسی این کنگره بخصوص وقتی معلوم میشود که موقعیت امروز رهبری حزب را در نظر بگیریم. همه میدانیم که از پلنوم ۱۶ تا کنون بر سر مسائل مختلفی در دفتر سیاسی بحث و اختلاف نظر وجود دارد. برخی از این مباحث، مثل بحث شورا، در اختیار کمیته مرکزی و مشاورین قرار گرفته است و برخی هنوز جزء مباحث داخلی دفتر سیاسی محسوب میشود. من اینجا نمیخواهم و نمیتوانم وارد مضمون این اختلافات بشوم. دفتر سیاسی قصد دارد به شکل برنامه ریزی شده و هدفمندی این مباحث را در اختیار کمیته مرکزی و مشاورین قرار بدهد. نکته مورد نظر من تاکید بر اهمیت سیاسی کنگره علیرغم این اختلاف نظرات است. من همیشه در سخنرانیهایم و از جمله در خود کنگره بر این تاکید کرده ام که آنچه ما را متحد میکند شرایط اجتماعی و انقلابی است که در ایران در حال شکل گیری است. به نظر من مصوبات کنگره بویژه قطعنامه چشم انداز انقلاب که باتفاق آرا به تصویب رسید و همچنین قطعنامه کارگری که بعنوان مبنی تصویب شد و تصویب نهائیش به پلنوم سپرده شد، نشان داد که این گفته صرفاً یک آژیتاسیون نیست. این اسناد اعلام میکنند که ما بر سر هر مساله ای اختلاف نظر داشته باشیم بر سر اینکه محتملترین سیر اوضاع در ایران انقلاب است و حزب ما باید با تمام نیرو و امکاناتش انقلاب آتی را رهبری و سازماندهی کند، وحدت نظر داریم. و فراتر از آن در اینکه مبانی سیاست ما در شرایط انقلابی در برخورد ما به نیروهای مختلف اپوزیسیون چه باید باشد و رئوس وظایف ما در قبال کارگران و جنبش کارگری چیست و نکات و مواضع متعدد دیگری که هر یک آنها برای انشقاق هر سازمان چپ خارج از ما کافیست، کاملاً متحدیم. این برای حزبی که رهبریش از بعد از فقدان منصور حکمت تا با امروز در باره بسیاری از مسائل مربوط به انقلاب ایران و تصرف قدرت سیاسی در حال بحث و مجادله بوده است. دستاورد کارساز و تعیین کننده ایست. منظور من به هیچ وجه این نیست که کنگره اختلاف نظرات را حل کرد و در رهبری حزب اتفاق نظر کامل سیاسی رسیده ایم. چنین انتظاری را نمیشود از هیچ کنگره ای داشت. اما کنگره با مصوباتش برنامه عملی — سیاسی واحدی در برابر حزب

قرار داد و کمیته مرکزی را موظف کرد بر مبنای این مصوبات در عرصه های مختلف مبارزه حزب و انقلاب را رهبری و سازماندهی کند. به همین دلیل است که من کنگره را صرفاً یک نمایش وحدت و قدرتنمایی حزب میدانم، بلکه آنرا یک اتفاق سیاسی مهم در حزب بعد از منصور حکمت میدانم و مایه و جوهر نمایش موفقیت آمیز وحدت و قدرت حزب در کنگره نیز همین مضمون سیاسی کنگره و قطعنامه هائی بود که به تصویب رساند. پلاتفرم عملی من در این دوره ترجمه عملی قطعنامه های کنگره ۴ در عرصه های مختلف فعالیت و مبارزه حزب است.

بلوک راست و چپ

در اینجا لازمست نظرم را در مورد نوعی از ارزیابی از کنگره مبنی بر اینکه گویا این کنگره پیروزی بلوک چپ به راست در حزب بوده است اعلام کنم. من به چنین بلوکهائی در حزب قائل نیستم و این نوع ارزیابی از کنگره را بی پایه میدانم. ارزیابیهای جناحی دیگری هم از کنگره وجود دارد که بهمین اندازه پوچ و بی پایه است. اجازه بدهید همینجا صریحاً اعلام کنم که من جناح و بلوکی در این حزب ندارم. بلوک و جناح من کنگره ۴ است. و این جناح تمام کسانی است که به قطعنامه های کنگره رای مثبت داده اند. یعنی تمام نمایندگان و تمام حزب. اگر کنگره چیزی را در رابطه با اختلاف نظرات بالای حزب نشان داد، نه پیروزی جناحی بر جناح دیگر، بلکه این واقعیت بود که هر اندازه هم که در مورد مسائلی نظیر حزب و قدرت سیاسی و شورا و غیره اختلاف نظر داشته باشیم در مورد انقلاب و رهبری و سازماندهی انقلابی که در ایران در حال شکل گیری است اختلافی نداریم. و تمام اهمیت کنگره نیز همانطور که گفتم در همین واقعیت نهفته است. این کل حزب بود که در کنگره پیروز شد.

محفلیسم و لابی ایسم

گفته های شفاهی و تلفنی متعددی که در مورد جناحها در دالانهای حزب، و متأسفانه بیشتر در کریدورهای نهادهای مرکزی حزب، میچرخد با کنگره شروع نشده است. از پلنوم ۱۶ این وضعیت را در حزب داریم. کنگره نه تنها نتوانست بر آن نقطه پایانی بگذارد، بلکه به دور جدیدی از این نوع ابراز نظرها و ارزیابیهای جناحی بویژه در نهادهای مرکزی حزب دامن زد (فکر میکنم بدنه حزب علی العموم وضعیت بهتر و منسجم تری نسبت به قبل از کنگره دارد). نام شناخته شده این مرض که مثل خوره روح تشکیلات را میخورد، محفلیسم است اما به نظر من لابی ایسم برای آنچه در این دوره حزب شاهد آنیم نام مناسبتری است. این پدیده ایست که با در گذشت نادر و خلا اتورितه نظری در بالای حزب مثل قارچ رشد کرد و باید صریحاً و آگاهانه به جنگش رفت و آنرا ریشه کن کرد.

منظور من از لابی ایسم همانست که در جامعه و در کریدورهای قدرت در پارلمانها و سایر نهادهای تصمیمی گیری در سراسر دنیا هر روز در جریان است. یعنی جلب نظر و موافقت اشخاص

صاحب رای به هر طریقی بجز یک کمپین سیاسی باز و در انتظار جامعه. این اگر برای پالمانتاریسم و گروه های فشار در جامعه اشکالی نداشته باشد، در صفوف درونی حزب ما مخرب و نابود کننده است. تماس خصوصی با افراد صاحب رای و تلاش برای جلب رای آنها با بحثهای یکجانبه و "فاکتها" و نقل قولهایی که صحت و سقم آنها بر کسی روشن نیست، امکان بحث متقابل و دفاع از خود را از طرف مقابل گرفتن و در واقع یکطرفه به قاضی رفتن و راضی برگشتن، اینها همه از خصوصیات لابی ایسم است. برای لابی ایست نه اقناع و بحث و هژمونی سیاسی بلکه نتیجه آرا مهم است و بس. روشن است که نتیجه بحث و مبارزه و کمپین سیاسی روباز و علنی و اصولی در حزب نیز نهایتا خود را در نتیجه آرا نشان خواهد داد، اما لابی ایسم دقیقا دور زدن این پروسه اصولی و در پیش گرفتن راه ظاهرا میان بر و کوتاه تر برای جلب آراست. فعالیت لابی ایستها فعالیتی غیر سیاسی و غیر اصولی است حتی اگر ظاهرا در گفتگوهای خصوصی خود به سیاست متوسل شوند. قربانیان لابی ایسم نمیتوانند از خود دفاع کنند و نظرات را تغییر بدهند چون اساسا روحشان خبر ندارد که لابی ایستها در کمپین مخفیشان چه گفته اند و چه کرده اند. درست مانند دادستانی که هر چه در برابر هیات ژوری خریده شده بگوید و استدلال کند، تاثیری در نتیجه نخواهد داشت. قضاوت و ارزیابی سیاسی از اعضای رهبری حزب در مباحث خصوصی موجه است مشروط بر آنکه در جلسات و سمینارها و پلنومها و یا مباحث کتبی داخلی نیز این نظرات ابراز شود. ویژگی لابی ایسم سکوت در جلسات و رودر رو با طرف مقابل و فعال شدن در غیاب اوست. به نظر من لابی ایسم حزب ما را فاسد میکند. و باید با قاطعیت در مقابلش ایستاد. خواهش من از همه رفقا اینست که هر جا شاهد این نوع فعالیت بودند از طرف هر کس و باصطلاح هر جناح باشد، در برابرش بایستند و با این نوع کمپینهای مخفی میدان ندهند.

به نظر من مخفی نگاهداشتن مباحث دفتر سیاسی زمینه اصلی لابی ایسم در شرایط امروز حزب ماست. ما به هر دلیلی تا کنون این بحث ها را مخفی نگاهداشته ایم، که در شرایطی درایت سیاسی حکم میکرد چنین کنیم، امروز دیگر روشن است که مضار اینکار بسیار بیشتر از محاسن آنست. به نظر من برای خشک کردن ریشه لابی ایسم و محفلیسم باید خود مباحث و نظرات را همانطور که از طرف صاحبان آنها ابراز و نوشته شده در اختیار کادرها قرار داد تا دیگر جایی برای غیبتها و شایعه و شائبه پراکنیهای لابی ایستی باقی نماند. همانطور که اشاره شد دفتر سیاسی قصد دارد اسناد مباحثات داخلی را در اختیار کادرها قرار دهد و این اگر هدفمند و برنامه ریزی شده و زمانبندی شده، به پیش برده شود قدم مثبتی به جلو خواهد بود.

رفقا

حزب ما با یک کوه کار مواجه است. شرایط سیاسی ایران به سرعت در جهت پیش بینی شده ما، در جهت انقلاب در حال تغییر است و اساس سیاستهای ما در رابطه با این شرایط نیز به لطف

کنگره ۴ روشن و مدون است. امیدوارم با اصولی ترین و سریعترین شیوه ممکن بحثهای داخلی حزبی را سازمان بدهیم و به پیش ببریم بی آنکه کمترین خللی در فعالیتهای بیرونی حزب ایجاد شود. ارزیابی من اینست که اختلاف نظرات ما هر اندازه هم که قطبی شود بر وحدت عمل حزب در فبال انقلابی که در پیش است خدشه ای وارد نخواهد کرد.

زنده باد حزب

زنده باد انقلاب

حمید تقوائی